

تکمله استخر اج تاریخ در نظم

(۴)

متملق غنچه ۲ در تاریخ های معنوی زائد الاعداد

۶- تاریخ وفات شهزاده عبدالله جان ولیعهد اعلیحضرت امیرشیرعلی خان که به تب مزمن گرفتار شده و بغرض تفریح براسالف روانه شده بود و در آنجا شب ۱۷ شعبان المعظم ۱۲۹۰ بعمر ۱۷ سالگی داعی اجل را لبیک گفته در باغ امیر که حالا موسوم حرم باغ است دفن شده کتیبه لوحه مزارش چنین است :-

هفده ساله ولیعهد چو شد غنچه سفت	باغبان فلک از دهر بدادش بر بنا د
بنده خاص خدا اسم خوشش عبدالله	آنکه داغ المش بردل ما در بنهاد
گشت یعقوب حزن زانرشه در تاریخ	که کجارت وجه شد آن شه افواج عباد
سر بر آورد حیات کهرش گفت بگو	(شدنگین سالوی واز کلاک سلیمان بغداد)

سنه ۱۳۰۳

۸

۱۲۹۰ ق

فایل این تاریخ را در شعر خصوصاً در تاریخ بر آوردن قدرتی شائسته نبوده .

۷- تاریخ فوت شاه شجاع میرکلی سلطان علوم ذوقی و مفرط شعر و ادب با وجود بار گران پادشاهی و پیش آمد حوادث متواتر دوره شاهی خود دیوان غزلیاتی از خود یادگار گذاشته . بتاريخ ۲۲ صفر مقتول و در ۲۳ صفر المعظم ۱۲۰۸ بمقبره تیمور شاه بدر خود در باغ عمومی حاضره کابل مدفون گردید . غلام محمد نام درویش این قطعه را در تاریخش گفته :

طرفه تر نقشه بکابل شد	خارج از مرکز تعقل شد
سلطنت زینب شه شجاع الملك	مشوکل علی التوکل شد
با مدادان بسی غزا بسیرون	با تن چنند بسی تبا مل شد
در رهش از فیضای ربانی	فانلیش با کسان مقابل شد
آن سیکندر منش فلاطون عقل	بشد در مطرح تغافل شد
از فضا و قدر بسمع همه	چونکه پنهان خطاب اقتل شد
بس چنان دست جور بکشودند	که بسرون از احد تحمل شد
تن سبب من و جسم نازک شاه	از دم تیغ باره چون گل شد

رفت زین ملك دون بخلد برین
موی سر بسکه کند اهل حرم
از پی جمع ماده تار بیخ
هاتفم گفت (آ. و ناله ۹۲) برار

صاحب حشمت و تجمل شد
پس سرا سر سرا ز سنبل شد
صورت عقلم محو بالککل شد
(شمع دولت بصبحم گل شد)

۱۳۵۰

۹۲

سنه ۱۳۵۸

۸- نگارنده راست در تاریخ وفات میرسید عالم محمد بن امیرسید عبدالاحد خان بن امیر مظفر بن امیر نصرالله بن امیر حیدر ملقب (حیدر طوره) یا امیر سعید بن امیر معصوم بن امیر دانیال که از ۲۳ سال پانزده سالگی اقامت داشته بی اثر مرض فشار خون شب شبیه ۵ جمادی الاول سنه ۱۳۶۲ مطابق ۹ نور ۱۳۲۳ بمصر ۶۴ سالگی در شهر وفات و در شهدای صالحین رح دفن شده لوحه و گنبدی فراز مرفدش بنا یافته است.

دریغ از بیوفائیهای دوران دفا پیشه
برافروزد شبی در بزم امکان گراقی را
امیر سابق ملك بخارا سید عالم خان
گذشتاند آنچنان عمرش بهین نامرادیها
اگرچه از وطن دور او فتاد امدارین کشور
کند شناندی بجمعیست حیات خویش و اطاعت
دریغ و درد کان سرمست جام فضل و دانش را
شراب مرگش را نوشید و ازرنج خمار آسود
ز سال رحلتش جسم خلیل از ملهم طبعم
سر تعزیه بگرفت و بفریاد و فغان گفتاوم انسان (و دایع زندگیش بگرا بخارا کرد در کابل)

۱۷۶۳

رتال جامع علوم انسانی

۴۰۰

۴۰۰

سنه ۱۳۶۳ ق

۹- اگرچه مربوط این غنچه شده نمی تواند مگر بمناسبت موضوع آورده می شود ،
صدرالدین خواجه (هینی) که از فضلی بخارا است فصدّه در جلوس این امیر مرحوم
سروده بوده که بیت مقطع و ماده تاریخش این است :-

بتاریخ جلوسش هاتفی گفت (همای نصرت ایزد تعالی ۱۳۲۹ ق)

۱۰- در تاریخ وفات میر محمد هاشم خان وزیر مالیه که فراز مرفدش برسنگی مرفوم است ،

میر هاشم وزیر نام آور
آنکه بوده است چون نظام الملك
آنکه کردد بنام نیکو یاد
در امور محاسبه استاد

سید نیک خوی پاک نهاد
در سر خدمت و وطن بنهاد
رفت ازین تنگنای بی بنیاد
هم پیشکدم ازین خراب آباد
(جای او در ریاض مینوباد)

۱۳۴۹

۱

سنه ۱۳۴۸ هـ ق

آنکه بود از نجابت سببی
آنکه چل سال از حبات عزیز
ناکبان در جمادی الاول
شصت و سه گرچه عمر یافت برفت
خامه زین غم الف کشیده و گفت

۱۱- دروفات شاعر شهر بلخ ملامفید :

مرد ملامفید در مملستان
بسر کشیده آه و سال تاریخش

این سخن چون بگوش سرخوش خورد

گفت (ملامفید بلخی مرد)

۱۱۳۱ - ۶ - سنه ۱۱۲۵

۱۲- تاریخ کشته شدن میرزا هندال در شبا خرن آوردن کامران میرزای ابن بابر میرزا

که هر دو برا درند مولینا نیازی ابن سید محمد بهاری نیکو گفته :

که از خون شد شفق کون اوج گردون

جهان بگذشت با شاه همایون

بهال قیامت آن سرو موزون

درینا مرد شعی در شبا خون (۱)

۶۵۹ - ۱ - سنه ۹۵۸ هـ ق

شبا خونی قضا انگیخت در دهر

ز عالم رفت هندال جهان نیکبر

شبستان فلک را بود چون شمع

خرد تاریخ فوئش جست گفتم

متعلق غنچه سوم تاریخ معنوی ناقص الاعداد

۱- در تاریخ وفات سردار مهردل شکران که از سرداران سلیمان و شعرای شیرین کلام است

و گاهی تخلص خود را در شعر (مشرفی) آورده و گاهی با اسم مشنه خود سخنانش را نزد ارباب

شعر و ادب قدر و قیمت زیاد است از لوجه فراز مرقش که در فندهار میباشد :

وز جفای این ستکار عنود

کو بخاک تیره تفکندش فرود

کاین دغا زان دودمان تنگیخت دود

آنکه جودش نام حاطم طی نمود

از عدم در هر صه ملک و جود

جاری از خون یلان صد زنده رود

چشمه خون از دل اعدا کشود

بود یکتا گوهر بحر و جود

داد از بیداد این چرخ کیود

سروری نشست بر تخت سلو

دودمانی شمع دولت کی فراخت

مهردل خان سرور عالیجناب

آنکه چون وی عادل نامد پدید

تبغ خونریزش بروز رزم ساخت

رمح تعبان بگرش کاه مصاف

پادشاهی با فقیری جمع داشت

(۱) از شمع بقاعده تشبیه الف خواسته و یکسمله مرد آنرا از شبا خون استسقاط نموده .

شهریار ملک اقلیم سخن
 صیقل اشعار عرفان مشربش
 یکگزمان غافل بود از ذکر حق
 دل گرفتش زین دیار بیوفای
 باد تا روز قیامت هر زمان
 از چاد الاخرین بد کاف وزا
 احمد از هر کس تفحص می نمود
 هاتقی بنهاد سر بر پاش و گفت

راز دار رمز اسرار شهو د
 زنگ از مرآت دلها مبر دو د
 در رکوب و در قیام و در فغو د
 جانب دار بقا رحلت نمود
 بر روانش رحمت بز دان فرود
 ناف هفت در جوار حق غنود
 سال فوت آن شه اقلیم جو د
 (منزل او بلاد جنات الغلود)

۱۲۶۶

۵

سنه ۱۲۷۱

۲- در تاریخ جشن ولعهدی سردار عبدالله جان ولعهد اهل حضرت امیر شیرعلی خان مرحوم جد امجد نسکارنده (میرزا محمد جان خان) را در جمله قصیده های کثیره شعرای آنوقت نیز قصیده ایست حاوی ۸۴ بیت که با تنقیص بعضی ابیات در مجله آریانا مورخه اول حوت ۱۳۲۴ش اندراج یافته چند بیت آن پنهان روشن ساختن تاریخ آن در اینجا لروما می آرم :-

شکر الله ازین معقل عشرت سامان
 که مرثیه شده در خدمت شاه دوران
 شاه فرخ رخ جمجاه همایون طالع
 معذات پروردار افراسکندر شان
 شهریاری که نظیرش نبود در عالم
 ام والای گرامیش (امیر شیرعلیخان)
 مجلسی کرد مرتب زبزرگان وطن
 جمع گشند دران جمله سران افغان
 بود روزخوش این بزم همایون و سعید
 ساعت فرخ و مسعود به عید رمضان
 سال تاریخ همایونش اگر میخواهی
 با سر سعید و (جشن مسرت عنوان)

سنه ۱۲۳۰

۶۰
۱۲۹۰ ق

رساله جامع علوم انسانی

۳- در تاریخ ولادت شهزاده سلیم (جهانگیر) ابن اکبر جلال الدین که ملا ارسال گفته :

نمود از اوج دولت آفتابی
 بعد الله که روشن شد ز نورش
 چو آن ظل خدا خواهد شد افزون
 خرد از بسهر مولود شریفش
 که نورش تافت از مه تابهای
 چراغ دو د ماسن یاد شاهی
 ز شاهان چون بدر در دین پناهی
 یکی افروود بر (ظل الهی)

۹۷۶-۱- سنه ۹۷۷

مکتب آریانا